

نقش شیعه در سقوط حکومت بنی امیه

❖ مبارزات و انقلابهای شیعیان از اهرمهای شکست امویان بود .
❖ چگونه تکیه بر نیروهای منحرف ، موجب شکست قیام یحیی پسر زید شد ؟

سن ۳۸ سالگی بود، به عهده داشت ، وی یاران و رؤسای نیروهای طرفدار عباسیان را گرد آورده طی یک سخنرانی بخطوط اصلی عملیات را برای آنان ترسیم نمود و ضمن آن توصیه کرد که خمس اموال را از شیعیان جمع آوری کرده از طریق نماینده وی در کوفه و اگر مقدور نبود در موسم حج به وی برسانند تا خرج گسترش عملیات شود . عباسیان در این اجتماع توافق کردند که مردم را به عنوان خلافت یک نفر از خاندان پیامبر دعوت کنند (نه بطور خاص از خاندان عباسی یا هاشمی) تا به هر دو خانواده قابل تطبیق بوده بیشتر مورد قبول مردم باشد . (۴)

این مطلب نشان می دهد که عباسیان تا چه حد ، تکیه بر نیروهای شیعیان را جهت ادامه عملیات خود لازم می دانستند ؟ از این گذشته « محمد بن علی » دو نقطه را برای مرکزیت حکومت و عملیات مناسب تشخیص می داد که هر دو، از مراکز

عباسیان از سال ۱۰۰ هجری آغاز به دعوت مردم جهت مبارزه با امویان و تشکیل حکومت عباسی کردند (۱) آنان در این راه از کوششها و مبارزاتی که شیعیان در طول حکومت امویان بعمل آورده بودند بهره برداری کردند و در حقیقت ، مبارزات و انقلابهای شیعیان ، از اهرمهای شکست حکومت امویان بود .

عباسیان در آغاز کار، هدفهای خود را زیر پوشش خونخواهی خاندان پیامبر و جلب رضایت آنان پنهان ساخته و بعنوان پشتیبانی از خاندان رسالت ، به پا خاستند و بدینوسیله محبت و حمایت بسیاری از مسلمانان را که خواستار تقویض خلافت و رهبری جامعه اسلامی به خاندان پیامبر (خاندان هاشمی) بودند ، و بویژه طرفداری ایرانیان را جلب نمودند . (۲)

در این هنگام رهبری عملیات عباسیان را « محمد بن علی » عباسی (۳) که در

نفوذ شیعیان بود؛ یکی عبارت از «کوفه» بود که از دیرباز، مهد تشیع بشمار می رفت و دیگری «خراسان» بود که مذهب تشیع را بهسولت درک می کردند. (۵)

دوجنبش سیاسی :

در تاریخ ۱۰۵ هجری «هشام بن عبد الملك» بخلافت رسید، در زمان حکومت وی ناحیه شرقی قلمرو حکومت اموی، شاهد دو حرکت سیاسی برضد این حکومت بود: یکی جنبش سیاسی وزیرزمینی عباسیان، و دیگری نهضت آشکار و مسلحانه علویان. این دو حرکت سیاسی موردمه گونه فشار و مقابله از طرف حکومت اموی بود، ولی چنانکه اشاره شد از نظر خط مشی سیاسی و تاکتیک هائی که انتخاب کرده بودند، با هم فرق داشتند زیرا عباسیان روش سیاسی احتیاط آمیز و عملیات سری را برگزیده بودند و از رویارویی آشکار با دشمن خود داری میکردند و همیشه منتظر بودند تا از فرصتهائی که حوادث پیش می آورد، استفاده کنند. ولی علویان معتقد به انقلاب مسلحانه و آشکار بودند و در این زمینه، سازشکاری و محافظه کاری را مردود می دانستند و چون از مکتب شهادت تغذیه می کردند، از کشته شدن و شکست، باک نداشتند و در اولین

۲ - الفخری ص ۱۱۵ به بعد
(نوه عبدالله عباس معروف)

۳ - محمد بن علی بن عبدالله بن عباس

۴ - ابو جعفر المنصور : جوهر ص ۴۷

۵ - تاریخ اسلام

قتل شیعه در سطرط حرمت بنی امیه

فرصت، نیروهائی گرد آورده با نیروهای اموی در میدان جنگ به نبرد می پرداختند. در اینجا برای آنکه بدانیم حکومت اموی چقدر از نیروهای انقلابی شیعه وحشت داشتند، خوبست به سند تاریخی زیر توجه کنیم :

هشام پس از تصدی خلافت، شخصی بنام «خالد قسری» را حاکم قرار داد، خالد پسر بنی هاشم خوش رفتاری می کرد، ولی یکی از هواداران هشام طسی نامه ای به وی هشدار داد و اعلام کرد که چنین رفتاری با شیعیان خطرناک است. وی در نامه خود چنین نوشت: «بنی هاشم تا دیروز از گرسنگی می مردند بطوری که نهایت آرزوی هر یک از آنان تأمین المعاش خانواده خویش بود (ع) ولی از وقتی که خالد، حاکم عراق شده و آنان را مورد بذل و بخشش قرار داده، تقویت شده بفکر تصاحب خلافت افتاده اند! هشام پس از دریافت این گزارش، خالد را برکنار کرد و نویسنده نامه را بجای وی منصوب نمود، او شروع به اعمال فشار و زجر و شکنجه دزمورد شیعیان و بنی هاشم کرد بطوری که هر کس علاقه ای بخاندان هاشمی داشت، او را بازداشت نموده در شهر «واسط» زندانی می کرد. (۷)

انقلاب زید بن علی :

در رأس نهضت های شیعیان در این دوره قیام «زید بن علی» (ع) (فرزند امام چهارم) قرار داشت که تنها با پنج هزار نفر سپاه در کوفه برضد حکومت ستمگر هشام

بگفته مورخان زید از نظر علم ، زهد ، شجاعت ، تقوی، بخشندگی ، ودینداری، از بزرگان و چهره‌های سرشناس خاندان هاشمی بود(۹) «شیخ ابوزهره» میگوید «آراء و عقاید زید ، از آراء و عقاید علی بن ابی طالب (ع) که در بیان همه مردم پخش گردیده بود الهام گرفته شده بود» (۱۰) با توجه به این امتیازات و ویژگیهای زید ، هشام از قیام او فوق العاده وحشت داشت و مصمم بود که با شدت با خطرات او مقابله نماید بطوری که هنگامی که زید بمنظور فراهم ساختن مقدمات انقلاب ، وارد شهر کوفه شد ، هشام طی نامه‌ای خطاب بحاکم عراق نوشت: «اجازه نده زید حتی یک ساعت در کوفه بماند زیرا او فردی سخنور و دارای بیانی گیرا، و زبانی شیرین است و اهل عراق پیش از هر کس مجذوب وی میشوند...» (۱۱) اما زید با استقبال مردم کوفه روبرو شد و شروع به اخذ پیمان از مردم عراق کرد، مفاد پیمان ، روشنگر هدف‌های اسلامی و ضد استبدادی زید بود، او به مردم می گفت: « ما شمارا به اجرای دستورهای قرآن، و سنت پیامبر، جهاد با ستمگران ، دفاع از مستضعفان و رسیدگی به حال محرومان تقسیم بیت‌المال بطور یکسان، پس گرفتن حقوق مظلومان ، مهار کردن آتش قتنه ، و

فصل ششم در سقوط حکومت بنی امیه

یاری ما خاندان پیامبر در برابر دشمنان و منکران حق ما دعوت می کنیم . » (۱۲) شکست انقلاب زید :

بعضی از سران عباسیان نسبت به پیروزی انقلاب زید ، اطمینان نداشتند و در مورد بی وفائی مردم کوفه، به وی هشدار میدادند و در این زمینه به بی وفائی آن درباره امیر مؤمنان (ع) و دو فرزند با عظمت او، استناد می کردند ولی زید به پیروزی خود اطمینان داشت و معتقد بود که شرایط سیاسی و انقلاب او بهتر از شرایط زمان امیر مؤمنان (ع) و پیشوای دوم و سوم است . (۱۳)

اما در هر حال انقلاب زید با شکست روبرو شد و در ماه صفر سال ۱۲۲ هجری شهادت رسید (۱۴) در علت شکست وی در میان مؤرخان اتفاق نظر نیست ، برخی دیگر نیرومندی حکومت اموی در زمان هشام (۱۵) و گروه دیگر، بی وفائی وعده پشتیبانی مردم کوفه را علت شکست انقلاب او معرفی کرده اند . (۱۷)

قیام یحیی پسر زید :

پس از شهادت زید ، فرزند او یحیی، برضد حکومت اموی قیام کرد ولی چون خودداری کوفیان را از پشتیبانی پدر خود دیده بود، خراسان را مرکز انقلاب قرار داد ولی مناسبانه یحیی نیز مانند پدر رشید خود ، پس از نبرد خونین و حماسه آفرین در سال

۶ - این فشار مالی از طرف حکومت‌های وقت ستمگر بر بنی هاشم تحمیل شده بود و

هدف از آن تضعیف شیعیان بود

۷ - الاخبار الطوال ص ۳۳۹

۸ - الفخری ص ۹۶

۹ - مدرک گذشته ص ۹۵

۱۰ - الامام زید شیخ ابوزهره ص ۱۱۸

از :
شهنازی

بهار
آزادی

زره رسید گل افشان ، بهار آزادی
ز لاله گشت چراغان ، دیار آزادی
تفنگ قامت خلق ، از نشنگ توده دل
بروی دوش وطن ، پاسدار آزادی !
ز مشت محکم دهقان و کارگر بشکست
دژی که بود چو محکم ، حصار آزادی
چو قلب مقتدران ، تیر انتقام شکافت
به قلب زد سپه افتد از آزادی !
بهشت راحت و بستان امن و باغ رفاه
شکفته اند همه در کنار آزادی !
بدا به روز ستمکار خصم نوع بشر
خوشا به روز خوش و روزگار آزادی
دلاوران ! همه باهم بجهد بر خیزید
زهی مقامت پایدار آزادی !

مانند یحیی به گروهائی تکیه کند که از جدا
و علی بن ابی طالب (ع) بیسزاری
می جستند (۱۹) و سرانجام او را بشهادت
رسانیدند .

علت شکست یحیی ، این درس را به ما
ایرانیان می آموزد که در تداوم انقلاب
خود ، استقلال خویش را حفظ کنیم و از هر-
گونه گرایش غیر مکتبی و تکیه بر شرق یا
غرب بپرهیزیم ، و گرنه بر انقلاب بزرگ
ما همان رود که بر قیام یحیی رفت !

۱۲۵ هـ به شهادت رسید . (۱۸)

اگر علت شکست انقلاب زید کاملاً روشن
نیست ، اما مهمترین علت شکست یحیی
روشن است ، و آن ، تکیه بر نیروی بیگانه
و «التقاط عملی» بود زیرا به گفته
مؤرخان ، اودرنبرد با امویان ، به گروه
«محکمه» که شاخه‌ای از «خوارج»
بودند ، تمایل نشان داد و همین امر ،
موجب دلسردی شیعیان از او گردید زیرا
برای شیعیان قابل تحمل نبود که شخصی

فکر
شعبه
در

۱۱ - تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۶۵

۱۲ - تاریخ طبری ج ۸ ص ۲۶۷

۱۳ - الامانه والسیاسة ج ۲ ص ۱۳۰

۱۴ - الاخبار الطوال ص ۳۴۵ - مقاتل الطالبیین ص ۱۳۷

۱۵ - الامانه والسیاسة ج ۲ ص ۱۳۰

۱۶ - مروج الذهب ج ۳ ص ۱۴۰ - مقاتل الطالبیین ص ۱۳۷

۱۷ - نظریات دیگری نیز در زمینه علت شکست انقلاب زید ابراز شده است (الفرق

بین الفرق : بغدادی ص ۲۵ - الملل والنحل : شهرستانی ج ۱ ص ۲۵۲

۱۹ - مقاتل الطالبیین ص ۱۱۳

۱۸ - تاریخ طبری ج ۸ ص ۳۰۰